



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۷/۱۲

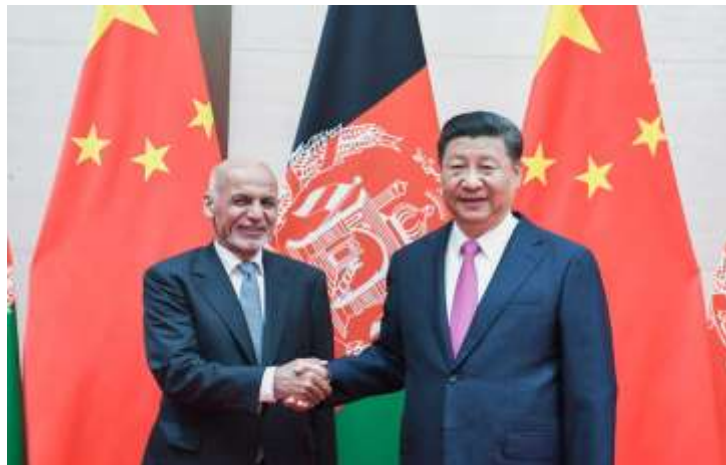
نویسنده: یون سون  
مترجم: رسول رحیم

## ارزیابی ستراتیژیک چین از افغانستان

منبع: وار آن راکس

یادداشت مترجم: وضعیت امنیتی افغانستان در مسیری قرار گرفته است که با سرعت از کنترل خارج می شود. بدیل های که مدعی نجات افغانستان اند، از نگاه شخصیتی و برنامه متعلق به سناریو های شکست خورده چهل سال گذشته اند. تشدید حملات بی رحمانه طالبان، فقدان اراده سالم و مستقل مقاومت در دولت، روحیه تسلیم طلبی سیاسی در بخش های قدرتمند به اصطلاح اپوزسیون دولت، ظهور گروه های مسلحی به نام مقاومت مردمی که در حال حاضر بیشتر جنبه رسانه ئی دارند، خطر جنگ داخلی و از هم پاشیدگی حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان را افزایش می دهند. این خطر تنها دامنگیر افغانستان نیست بلکه مجموع منطقه ما را تهدید می کند. استراتژی امریکا از جنگ علیه تروریسم به جنگ ترکیبی تبدیل شده است و ناظر به نوعی سوریایی سازی جنگ افغانستان است. مقالاتی که در رسانه های افغانی انتشار می یابند، غالباً جنبه تبلیغاتی دارند و با مطالعه آن ها آینده به خوبی پیش بینی شده نمی تواند. تحال بیشتر توجه به ابتکارات ایالات متحد امریکا بوده است. وضع ابتر افغانستان که در نتیجه بیرون رفتن غیر مسئولانه ایالات متحد امریکا تشدید یافته است، قدرت های قاره بی و منطقه ئی را نیز به چاره جوئی واداشته است. در راس همه نقش چین به عنوان قدرتمندترین نیروی منطقی قابل توجه است. در این هفته وزیر خارجه چین غازم کشورهای عضو کنفرانس شانگهای می شود تا در مورد تدابیر لازم برای جلوگیری از آفات خلالی بیرون رفتن ایالات متحد امریکا از افغانستان با آن ها مذاکره نماید. این مقاله که به دنبال توافق امریکا و طالبان نوشته شده است، به استثنای دو پاراگرافی که در ترجمه حذف شده است، لب و لباب استراتژی چین را نسبت به افغانستان در چشمرس قرار می دهد.

ارزیابی ستراتیژیک چین از افغانستان



با توجه به بیرون رفتن نیروهای ایالات متحد امریکا از افغانستان، آینده افغانستان کمتر از همیشه مطمئن به نظر می رسد. چین به مثابه یک کشور همسایه و با در نظر داشت منافع قابل ملاحظه اش، چگونه برای آینده افغانستان آمادگی می گیرد؟

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

از 11 سپتمبر به اینسو، حضور نظامی ایالات متحد آمریکا در افغانستان مخصصه ای برای چین به وجود آورده است. از یک طرف چین به طور غریزی حضور سربازان ایالات متحد آمریکا را در "حیاط عقبی" اش به حیث یک تهدید استراتژیک می نگرند. در عین زمان، چین معتقد است که از امنیتی که ایالات متحد آمریکا در آنجا به وجود آورده است، به ویژه در قسمت کاهش رشد و گسترش گروه های تروریستی ضد چینی سود برده است. پیامد این مخصصه آن است که چین می خواهد ایالات متحد آمریکا از افغانستان بیرون برود. اما فقط با یک بیرون رفتن مسئولانه که یک خلأ آشوب آفرین برای بی ثباتی منطقه از خود به جا نگذارد. اما واقعیت آن است که تصمیم در رابطه با افغانستان در واشنگتن گرفته می شود. نه در بیجنگ - و چین در برابر نوع اقدام به بیرون رفتن آمریکا از افغانستان باید عکس العمل نشان دهد.

در 29 فبروری 2020 ایالات متحد آمریکا و طالبان در دوحه یک موافقت نامه صلح امضا نمودند. این موافقت نامه با خوش بینی رسمی در ایالات متحد آمریکا برگزار شد. اما چین خوشی کمتری به این موافقت نامه نشان داد. بیجنگ اعتماد اندکی به پروسه صلح بین الافغانی دارد. در عوض چین انتظار دارد توافق صلحی که آمریکا امضا نموده است منجر به بی ثباتی بیشتر می گردد و سرانجام منطقه باید برای جلوگیری از افتادن در پرتگاه، یک بدیل چندین جانبه - به شمول عملیات صلح بانی ملل متحد- اتخاذ نماید.

### نگرش تاریخی چین در مورد افغانستان:

علاقه مندی اساسی چین در افغانستان ثبات است. از نظر بیجنگ، اغتشاش در افغانستان موجب تحریک بیناد گرائی اسلامی می گردد که امنیت داخلی چین را به ویژه در شین جیانگ تهدید می نماید. هرچه باشد، چین یک قدرت تجدید نظر طلب (رویزیونیست) در افغانستان نیست. تاجانی که به یک انتخاب مربوط می شود، چین ترجیح می دهد که در افغانستان شاهد ثبات داخلی و یک حکومت کارساز ترجیحاً و نه ضرورتاً بی طرف در بین قدرت های بزرگ باشد. چین که شاهد فروماندن بریتانیا، اتحاد شوروی و ایالات متحد آمریکا در باتلاق افغانستان بوده است، همیشه اعتقاد داشته است که افغانستان "گورستان امپراتوری ها" است.

چین به صورت عنعنوی معتقد است که از درگیر شدن های جدی در امور افغانستان به هر قیمت خود داری کند. دیدگاه کلی چین در مورد حضور ایالات متحد آمریکا در افغانستان آمیزه ای از عوامل متناقض است. جهت منفی این حضور را چین در تهاجم ایالات متحد آمریکا می بیند که در قلب قاره یورو آسیا جای پائی برایش تاسیس کرده است که بعداً می تواند برای مهار زدن چین مورد استفاده قرار گیرد. بیجنگ جنگ جاری با طالبان را همچون "بی مسئولیتی" ایالات متحد آمریکا برای بی ثبات گردانیدن این کشور و اغتشاش در منطقه می نگرند. از چشم انداز چین 11 سپتمبر و راه اندازی جنگ در افغانستان تندرو شدن مسلمانان در منطقه را تشدید نموده و مستقیماً به نا آرامی در منطقه خود مختار شین جیانگ واقع در شمال غرب چین کمک نموده است. چین جهت مثبت این حضور را در آن می بیند که جنگ های آمریکا از 11 سپتمبر به اینسو، بهترین چیز از پایان جنگ سرد به اینسو بوده است، یعنی "یک روزنه مساعدت استراتژیک" خدا داد بوده است که برای یک دهه به چین فرصت داد تا قوی گردد، در حالی که ایالات متحد آمریکا حواسش پرت شده بود، گیرمانده بود و هزاران میلیارد دلار را در افغانستان و عراق مصرف می کرد. در حالی که ایالات متحد آمریکا به حمایت نام نهاد چین از جنگش علیه ترور نیاز داشت، چین تهدید تروریستی شین جیانگ را به بازی گرفت و جنگ جهانی علیه ترور را برای توجیه سیاست اش در برابر منطقه اویغورها مورد بهره برداری قرار داد.

افغانستان هرگز از اولویت یک شریک اقتصادی برای چین برخوردار نبوده است. حتی در اوج استراتژی "بیرون رفتن" که در واقع طرح قبلی ابتکار "کمر بند و راه" برای تشویق شرکت های چینی در جهت جستجوی بازار جهانی بود، شرکت های اندکی در چین علاقه مندی زیاد به افغانستان نشان دادند. استثناً شرکت های معدن مس عینک در سال 2008 و شرکت استخراج نفت آمودریا در سال 2011 بود.

با خراب گردیدن اوضاع امنیتی در افغانستان هرگاه آمیدی هم به سرمایه گذاری های بزرگ بود، از بین رفت و همه شرکت ها را مجبور به توقف پروژه های شان ساخت. با وجود این، یک روایت رسمی افغانستان را به مثابه اتصال دهنده مهم برای ابتکار کمر بند و راه معرفی می نماید. سرمایه گذاری چین در افغانستان در حد اقل بوده و به 2.2 میلیون دلار در سال 2016 و صرف 400 میلیون دلار کل سهام سرمایه گذاری تا اخیر 2017 بوده است. برعکس این قصه در پاکستان بسیار متفاوت است. سرمایه گذاری چین در پاکستان در سال 2017 - 2018 به 1.58 میلیارد دلار رسیده است که سرمایه گذاری مجموعی به 5.7 میلیارد دلار در اخیر سال 2017 می رسد.

مناسبات اقتصادی در جازده و مختنق بین بیجنگ و کابل در قدم نخست ناشی از نگرانی های امنیتی است. بیرون رفتن نیروهای خارجی از افغانستان وضعیت امنیتی را حتی نا مطمئن تر می گرداند. تازمانی که این پروسه صلح بین افغان ها وجود داشته باشد، چین کاملاً از تهدید های خلأ امنیتی بالقوه و ظهور مجدد خشونت های حتی بیشتر در این کشور آگاه و نگران می باشد. آنچه چین نمی تواند پیمایش نماید خلوص در اظهارات آمریکا و میزان بیرون کشیدن سربازانش است که برنامه ریزی چین بدان وابسته می باشد. بیجنگ کمک های انکشافی اش، دیپلوماسی،

ظرفیت سازی ، کمک های نظامی و مداخله رادر صورتی افزایش می دهد که ایالات متحد امریکا کاملاً از افغانستان بیرون برود و چین باید در بخش تلاش ها برای با ثبات گردانیدن بسیار به شدت سرمایه گذاری کند. با اینهم چین در نزد خود شک دارد که ایالات متحد امریکا حضور و نفوذش را در افغانستان با توجه به موقعیت حساس جیوپولتیکی این کشور و مصارفی هنگفتی رها کند که از سال 2001 به اینسو واشنگتن در این جا متقبل شده است. یک حضور کوچک نظامی امریکا که در افغانستان باقی می ماند ، پاداش بسیار مشخص را برای واشنگتن پس از 19 سال جنگ فراهم می سازد.

### بدبینی در مورد آینده صلح:

سیاست چین در مورد افغانستان به اساس ارزیابی از پیامدهای امنیتی موافقت نامه صلح صلح امریکا- طالبان بنا یافته است. از چشم انداز بیجنگ اوضاع مثبت به نظر نمی رسد. پروسه آشتی داخلی بین طالبان و حکومت افغانستان به طور چشمگیری دشوار تر از مذاکرات بین واشنگتن و طالبان است. یک گفت و گو بین کابل و طالبان به طور باورنکردنی تشنج آمیز خواهد بود. علایم اولیه بعد از 29 فبروری این نظر را تأیید می نماید. عدم توافق ها بین طالبان و حکومت افغانستان در مورد آزاد سازی زندانیان طالبان به تشدید اختلافات شان ادامه می دهند و چون در تضاد با معامله با امریکا قرار ندارد، طالبان عملیات نظامی شان را علیه نیروهای حکومت افغانستان ادامه می دهند.

مناقشات در مورد نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کمک نمی کند. بن بست جاری بین رئیس جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله استراتژی مذاکرات حکومت با طالبان را تضعیف می کند. چین رسماً از پیروزی سیاسی غنی حمایت کرده است، اما معتقد به قابلیت عبدالله عبدالله در تضعیف پروسه مذاکرات می باشد. ارچند چین نه این امتیاز سیاسی و نه پایگاه قدرت غنی را به قدر کافی مورد چالش عبدالله نمی بیند ، و نه بن بست حاکم منجر بی ثباتی در درون حکومت مرکزی می گردد. این سیاست به اصطلاح "دوسره" در کابل احتمالاً ادامه خواهد یافت.

آنچه چین از آن می ترسد - و پیش بینی می کند - عبارت از تعادل ظریف قدرت در افغانستان است که شاید با بیرون رفتن نیروهای امریکائی از افغانستان برهم بخورد. در چنان موردی شاید طالبان گفت و گو های مستقیم صلح با حکومت افغانستان را رد کنند. در بدترین صورت یک جنگ داخلی بین طالبان و بقایای حکومت مرکزی مطرح خواهد بود.

### انتقاد چین از سیاست ایالات متحد امریکا در افغانستان:

از نظر چین ایالات متحد امریکا تصمیم به یک نوع خروج غیر مسئولانه از افغانستان گرفته است. در چنین موردی ایالات متحد امریکا برای افغان ها و کشورهای منطقه یک آشفتگی را باقی می گذارد که خود آن را بزدلانه، به خصوص هرگاه واشنگتن تهدید به قطع چشمگیر کمک هایش به افغانستان نماید. رسانه های رسمی چینی معامله صلح بین ایالات متحد امریکا و طالبان را با بیرون رفتن "خفت آور" امریکا از ویتنام در سال های 1970 مقایسه کرده اند. به نظر می رسد که ایالات متحد امریکا بیرون رفتن از افغانستان را به دلیل نگرانی نه تنها ناشی از یک انفجار داخلی در این کشور بلکه همچنان نگرانی ناشی از تخریب حیثیتی که این انفجار بار خواهد آورد، به تاخیر انداخت. از نگاه چین "این صلح" که ایالات متحد امریکا بدان نائل شده است، صلحی برای خودش است، نه برای افغانستان و یا منطقه. ایالات متحد امریکا برنامه دارد افغانستان را هنگامی ترک نماید که در آن 2000 هزار میلیارد دالر مصرف نمود و 2400 سربازش را از دست داده است، در حالی که طالبان به حیث یک نیروی سیاسی قوی باقی مانده اند و وضعیت امنیتی افغانستان مخاطره آمیز است.

در حالی که چین انتظار داشت رئیس جمهور دونالد ترامپ ، با انگیزه کارزار انتخاباتی برای انتخاب مجددش، برای رسیدن به توافق صلح و خروج امریکا از افغانستان سخت تلاش نماید ، مهمترین نگرانی چین این است که خروج امریکا به طور غیرمسئولانه راهی برای رسیدن به صلح پایدار باقی نگذارد. در نتیجه ، چین و سایر کشورهای منطقه با تأثیرات اجتناب ناپذیر لبریز شدن منازعه ، احتمالاً طی سال های زیادی مواجه خواهند شد. طنز موضع چین در این است که ، در حالی که چین با حمله ایالات متحده در سال 2001 به دلیل بی ثبات سازی منطقه و استقرار نیروهای ایالات متحده در نزدیکی مرزهای چین مخالف بود ، اما اکنون به همان اندازه از خروج امریکا از افغانستان انتقاد می کند .

در عین زمان ، بسیاری از ناظران چینی نسبت به بیرون رفتن کامل نیروهای ایالات متحد امریکا از افغانستان تردید دارند. بیجنگ شک دارد که ایالات متحده با کمال میل از حضور استراتژیک و نفوذ خود در افغانستان به عنوان جا پایی جیوپولتیکی در مرکز قاره یوراسیا چشم پوشی کند .

## حفاظت از خود از طریق رعایت توازن بین کابل و طالبان:

نگرانی اولیه چین از افغانستان، در وضعیت امنیتی و بی ثباتی و تندرو شدنی نهفته است که از آن جا به چین سرازیر شود. پاسخ گفتن به این چالش ایجاب می نماید که چین هم با کابل و هم با طالبان کار کند. در نتیجه چین پیوسته از راه حل سیاسی فراگیر و آشتی بین دو جانب حمایت نموده است. با وجود حمایت قبلی چین از اتحاد شمال ضد طالبان، دیدگاه اش در مورد طالبان با تفکیک بین جناح های ضد امریکائی و جناح های که از تندروی اسلامی حمایت می کنند، به تدریج دچار تغییر شده است. علاوه بر این، مناسبات و معاملاتی بنا به نیاز چین به ندادن پناه گاه محفوظ به پیکارجویان اویغور و نیاز طالبان به چین برای بازی کردن نقش وکالتی از آن ها، شروع به ظهور نمود. در سال 2014 هیئت های طالبان شروع به آن نمودند که علناً و به طور منظم از چین دیدار نمایند و این رویداد هنگامی به اوج اش رسید که گفت و گو های مخفی بین کابل و طالبان به وساطت چین در اورومچی صورت گرفت.

در ساحه مبارزه با تروریسم، چین روابط نزدیک اش را با کابل به منظور همکاری های دو جانبه امنیتی ادامه می دهد که هدف آن سازمان های است که با جنبش ترکستان شرقی و "دولت اسلامی" یا داعش متحد می باشند. چین از طریق همکاری نظامی به افغانستان در ساختن "پل نظامی کوهی" اش در دهلیز واکان نزدیک ولایت شمالی بدخشان افغانستان کمک نمود که هدف اولیه آن جلوگیری از نفوذ "دولت اسلامی" یا داعش به چین می باشد. طبق اظهار پژوهشگران افغان، چین بین سال های 2016 تا 2018 برای افغانستان بالغ بر 70 میلیون دالر امریکائی کمک نظامی کرده است.

روابط چین با کابل و طالبان نقش ویژه ای به این کشور در مذاکرات بین دو جانب داده است. چین به این بی طرفی نسبی اش می بالد و با افتخار اعلام می نماید که برعکس بسیاری از همسایگان افغانستان و ایالات متحد امریکا، چین هرگز به افغانستان حمله نکرده است. این کشور پیوسته برای نماینده های طالبان ویزای چین برای ملاقات راصدر می کند، تا چین را قادر گرداند نقش تسهیل کننده اش را بین طالبان و کابل بازی کند.

به احتمال زیاد، چین با پیش بینی افزایش مشروعیت، نقش و نفوذ طالبان در افغانستان، در آینده روابط اش را با این سازمان گسترش می دهد. مدت های طولانی می گذرد که چین از مانع خود ایجاد کرده اش ناشی از اصل عدم مداخله در مورد افغانستان، هم به نام میانجی گری و هم با تلاش هایش برای حفاظت از منافع اش در زمین، عبور کرده است. در حالی که چین به حمایت اش از غنی و حکومت او ادامه می دهد، شمار آن تحلیل گران چینی که به جانبداری از طالبان می نویسند، رو به افزایش است. پانگ گوانگ یک کارشناس چینی ارشد خاورمیانه و ضد تروریسم، طالبان را گروهی می داند که «توسط مردم فقیری حمایت می شوند که بیش از نصف جمعیت را تشکیل می دهند»، در حالی که برعکس می گوید حکومت کابل «توسط امریکائی ها حمایت می شود». از دیدگاه چنین تحلیلگرانی توافق صلح بین ایالات متحد امریکا طالبان، مشروعیت طالبان را افزایش داده به این سازمان نفوذی بخشیده است که روابط با حکومت های خارجی به ویژه پاکستان و چین به وجود آورد. ارچند چین نه می خواهد و نه می تواند از یک خلیفه در افغانستان حمایت نماید که چالش مستقیمی بر کنترل چین بر جمعیت مسلماناش به وجود آورد، اما مشاهده می کند که ایدئولوژی طالبان نشانه هایی از اعتدال را نشان داده است.

## راهیافت چین: ترجیح چند جانبه گرائی بر یک جانبه گرائی:

چین حتی پس از توافق طالبان با ایالات متحد امریکا در مورد افغانستان بدبین باقی مانده است. بزرگ ترین چالش برای چین برهم خوردن چشمگیر وضعیت امنیتی در داخل افغانستان در صورتی است که پروسه صلح بین الافغانی از هم بپاشد.

در حال حاضر چندین ارزیابی مقدماتی در بیجنگ وجود دارد که بیانگر آن راهیافت های مختلف است که شاید چین در چند ماه و یا سال پیش رو اتخاذ نماید. نخست آن که چین می خواهد به چند جانبه گرائی در برابر یک جانبه گرائی اولویت قائل شود. در صورتی که وضع امنیتی افغانستان خراب گردد، استراتژیست های چینی تقاضای ماموریت صلح بانی ملل متحد را می نمایند که شامل نیروهای چینی هم باشد، تا اینکه کدام قدرت منطقوی به طور یک جانبه مداخله کند. در هیچ سناریویی چین در این مرحله مداخله یک جانبه را گزینه نمی داند. چین یک جناح و یا سبب منازعه داخلی در افغانستان نیست. شهرت افغانستان به مثابه "گورستان امپراتوری ها" پیوسته مانع آن مداخله مستقیم چین می شود که شاید امتیاز موضع متعادل اش را در بین طالبان و کابل تضعیف نماید. به دلیل سهمدار بودن کشورهای منطقه و دست داشتن در پروسه صلح بین الافغانی، یک مداخله یک جانبه کاملاً مطرح بوده نمی تواند.

دوم، در صورتی که راه یافت ملل متحد دشوار و یا غیر محتمل به نظر برسد، چین قدامت می کند و پیشنهاد می نماید که سازمان همکاری شانگهای که در ده سال اخیر نقش اش را در افغانستان تقویت نموده است، دست به کار شود. سازمان همکاری شانگهای یک سازمان منطقوی است که مختص به مسائل امنیتی بوده و توسط چین، روسیه،

قزاقستان، قرغزستان، ازبیکستان و تاجیکستان در سال 2001 تاسیس شده است. هند و پاکستان هر دو در سال 2017 به حیث اعضای رسمی به این سازمان پیوسته اند. این گروه متشکل از همه سهامداران منطقوی بوده که می تواند واجد مشروعیت سیاسی و حمایت منطقوی برای یک مداخله در هنگامی باشد که برگشت نیروهای امریکائی یک خلاء قدرت جدید به وجود آورد. اگرچه سازمان همکاری شانگهای کدام نیروی نظامی ویژه و یا امکانات امنیتی ملکی مختص به خود را ندارد، این سازمان مجوز قوی تامین صلح و ثبات منطقوی را دارد. بیجنگ آزمایش نموده است که سازمان همکاری شانگهای چه گونه می تواند نقش ضد تروریسم و ضد قاچاق مواد مخدر را بازی کند، اما برای یک ناظر بیرونی انکشافات بیشتری لازم است تا دیده شود که چه می شود. سرانجام، در صورتی که افغانستان با ثبات گردد، چین از شمولیت افغانستان در میکانیسم و چارچوب امنیتی سازمان همکاری شانگهای حمایت خواهد کرد.

سوم، چین ترتیبات چندجانبه امنیتی را پیش شرط تلاش برای انکشاف اقتصادی پیشرفته در افغانستان می داند. کارشناسان چینی مکرراً ناکامی دو پروژه بزرگ زیرساختی، یعنی معدن مس عینک و پروژه نفت آمودریا را در دهه گذشته ناشی از خرابی وضع امنیتی در این کشور دانسته اند. ساختن زیرساخت ها و تفحص منابع در حین منازعه جاری غیر عملی می باشد. چین در صورت اطمینان موکد داخلی و حمایت چند جانبه از به عهده گرفتن نقش بزرگ تر اقتصادی خودداری نمی کند. در مسئله "تجدید اطمینان های محلی" چین به طور ضمنی تجدید اطمینان از طالبان در مورد امنیت و حفاظت از پروژه های آینده اش در افغانستان، مانند توسعه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان از طریق خط آهن به قندهار به دست آورده است. با اینهم جزئیات آن هنوز هم به خوبی روشن نیست.

چهارم، چین مطمئن نیست که افغانستان همچنان به عنوان کانونی برای همکاری ایالات متحده و چین باقی بماند، اما امید همچنان باقی است. در دهه گذشته، ایالات متحده و چین در برنامه های ایجاد ظرفیت در افغانستان، از جمله آموزش پلیس و مین زدایی همکاری کرده اند. در ابتدا، چینی ها حضور نظامی ایالات متحده و تعاملات اقتصادی چین را به عنوان مکمل یکدیگر می دیدند. میزان تعهد ایالات متحده به آینده افغانستان عامل تعیین کننده ای برای ماهیت و دامنه تلاش های چین در این کشور است.